



یاسر جهاتی پور

#### مقدمه

تجسم اعمال، مسئله‌ای است که در هر یک از حوزه‌های کلام، فلسفه، اخلاق و عرفان به نوعی مطرح بوده است. بسیاری به اثبات آن پرداخته و سخت از آن طرفداری کرده‌اند، برخی نیز آن را دور از حکم عقل شمرده و به انکار آن برخاسته‌اند. عنوان تجسم اعمال بعینه در آیات و احادیث دیده نشده است؛ ولی بی‌گمان خاستگاه آن، آیات و روایات است. در قرآن و روایات دربارهٔ اعمال انسان، اعم از اعمال ظاهری و باطنی، و نقش آن در

جزای اخروی، مطالبی آمده است که دانشمندان از آن به تجسم اعمال<sup>۱</sup> یا تجسد اعمال<sup>۲</sup> و یا تمثل اعمال<sup>۳</sup> و نظایر آن<sup>۴</sup> تعبیر کرده‌اند.

۱. عرشیه، صدر الدین شیرازی، تصحیح و ترجمه غلامحسین آهنی، انتشارات مولی، تهران، ۱۳۶۱ ش، ص ۲۸۲.

۲. جامع السمادات، ملا محمد مهدی نراقی، صحیح و تملیق سید محمد کلانتر، انتشارات اسماعیلیان، چاپ سوم، ج ۱، ص ۲۰.

۳. چهل حدیث، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، قم، ۱۳۷۳ ش، ص ۴۳۹.

۴. اربعین، محمد عاملی بهایی، مطبوعه صابری، ۱۳۵۷ ش، ص ۲۰۲ و ۴۶۵.

از مجموع آیات و روایات، این‌گونه برمی‌آید که اعمال خوب، خلیقات، عادات نیک، اعتقادات و حق افراد در جهان دیگر، با صورتهای بسیار زیبا و لذت‌بخش تجسم می‌یابد. و اعمال زشت، خلیقات بد و اعتقادات و گرایشهای باطل، با صورتهایی بسیار زشت و وحشت‌زا مجسم می‌شود. همچنین با بررسی و تأمل در آیات و روایات درمی‌یابیم که پادشاهها و کیفرها، نعمتها و نعمتها و بهشت و جهنم، همگی حقیقت و چهره باطنی اعمال و صفات و عقاید انسان است که در آخرت به آن صورتهای بروز می‌کند و همین، معنای تجسم اعمال است.

ممکن است پرسیده شود مسئله تجسم عمل چه مشکلی را حل می‌کند و چه نتیجه‌ای بر آن مترتب است؟ در پاسخ می‌توان گفت این مسئله از این نظر اهمیت دارد که می‌تواند به شبهه‌ای که درباره کیفر

برخی اعمال وارد است، پاسخ قانع‌کننده‌ای ارائه دهد. به عبارت دیگر گاه این سؤال مطرح می‌شود که آیا رواست کسی که در مدت معین و محدودی در حال کفر، شرک، نفاق و نافرمانی خدای سبحان به سر برده، برای ابد در عذاب الهی گرفتار باشد؟ این شبهه نه تنها در اذهان افراد عادی وجود داشته و دارد؛ بلکه در اذهان دانشمندان معروفی همچون برتراند راسل نیز مطرح بوده است. راسل می‌گفت: چگونه ممکن است خدایی باشد و ما را در برابر جرمهای بسیار کوچک مجازات بسیار سنگین کند؟<sup>۱</sup> در ادامه، سعی داریم به این سؤال، پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهیم.

#### تجویف

تجسم اعمال به معنای به صورت شکل، جسم و پیکر در آمدن موجودات غیر مادی، مانند عقاید،

۱. عدل الهی، مرتضی مطهری، انتشارات اسلامی،

یَرَهُ»<sup>۲</sup>؛ «هر کس به میزان مثقال ذره (به اندازه دانه‌های غبار) عمل خیر انجام داده [در قیامت] آن را می‌بیند و هر کس به میزان مثقال ذره، عمل شر انجام داده آن را می‌بیند.» ظاهر آیه، آن است که خود عمل دیده می‌شود و تأویل بردن آن به اینکه جزای عمل دیده می‌شود با ظاهر آیه سازگار نیست.<sup>۳</sup>

پس اعمال، صورتی دنیوی دارند که ما آنها را مشاهده می‌کنیم و نیز صورتی اخروی که هم اکنون در دل عمل نهفته است. اعمال انسان در روز قیامت، شکل کنونی خود را از دست می‌دهد و به صورت واقعیت اخروی جلوه می‌کند؛ زیرا اقتضای این عالم آن است که عمل به این صورت جلوه کند و اقتضای عالم آخرت آن است که عمل به شکل اصلی و واقعی خود ظاهر شود. پس در تجسیم

اخلاق، اوصاف، افعال و آثار انسان است.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، تجسیم عمل، نوعی عینیت ماهوی و اساسی بین پاداش و کیفر اخروی با اعمال دنیوی را ثابت می‌کند. «قرآن و روایات دلالت دارند بر اینکه هر عملی که انسان در این جهان انجام می‌دهد دو صورت و دو ظهور و دو هویت دارد و با یکی از آنها در این دنیا تمثیل می‌کند و با دیگری در آخرت؛ مثلاً نماز در این دنیا عبارت است از یکسری از ذکرها و حرکات که هویت دنیوی نماز را تشکیل می‌دهند؛ ولی همین نماز در آخرت ظهور دیگری دارد و همچنین اعمال ناشایست. برای هر یک از اعمال، دو چهره است که یکی در دنیا و دیگری در آخرت تمثیل می‌یابد. خدای سبحان می‌فرماید: ﴿فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا

۲. زلزله/۷ و ۸.

۳. معاد شناسی در پرتو کتاب و سنت و عقل، جعفر سبحانی، ترجمه علی شیروانی، انتشارات الزهراء ۱۳۷۰ ش، ص ۱۱۱.

۱. تفسیر موضوعی قرآن، ج ۵، معاد در قرآن، جوادی آملی، انتشارات اسراء، ۱۳۸۱ ش، ص ۴۷.

اعمال، با دو عنوان کلی مواجه هستیم: یکی عینیت فعل و جزا و دیگری همراهی عمل با انسان در برزخ و روز قیامت.

علامه طباطبایی می‌فرماید: «خداوند در آیه ۱۹ سوره احقاف می‌فرماید: (وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِّمَّا عَمِلُوا وَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرَهُمْ وَ لَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ)؛ «برای هر کس درجاتی در قبال اعمالشان می‌باشد و هر آینه خداوند اعمالشان را تماماً به آنها باز می‌گرداند در حالی که ستمی بر آنها روا داشته نمی‌شود.» که صدر آیه، از نوعی نسبت خاص حکایت می‌کند و عبارت میانی، از اتحاد بین عمل و جزای آن و ذیل آیه، از جزای عادلانه که در واقع، سبب نسبت و اتحاد مذکور است. آیات بسیار دیگری وجود دارند که دلالت می‌کنند بر اینکه اعمال خیر و شر انسان بعینه به وی برگردانده می‌شوند.»<sup>۱</sup>

آن‌گاه در جای دیگر چنین می‌گوید: «ثواب و عقاب که اموری حقیقی‌اند و با طاعت و معصیت همراه هستند، لا محاله با انسان خواهند بود و انسان، مجموع بدن و نفس است؛ ولی بدن به تدریج متبدل می‌شود؛ در حالی که طاعت و معصیت و شقاوت و سمادت به حال خود باقی‌اند. پس آنچه که حقیقت مذکور، دایر مدار آن است، همان روح، یعنی حقیقت انسان خواهد بود.»<sup>۲</sup>

نظریات مختلف دربارهٔ تجسم اعمال

بزرگان دربارهٔ مسئله تجسم اعمال، اختلاف دارند. گروهی این نظریه را پذیرفته و گروهی آن را رد کرده‌اند. آنان که تجسم اعمال را قبول دارند به سه گروه تقسیم می‌شوند. دلیل این تقسیم‌بندی میان قائلان، آن است که، در کنار بحث از تجسم اعمال که غالباً ناظر به کردارهای

۱. انسان از آغاز تا انجام، محمد حسین طباطبایی، ترجمه و تملیقات صادق لاریجانی، بوستان کتاب، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۶۸.

۲. همان، ص ۱۷۳.

مربوط به اعضای انسان است، مسئله دیگری مطرح می‌شود که از آن به تبلور یا تجسم نیتها و ملکات نفسانی تعبیر می‌شود و مقصود، این است که صورت حقیقی انسان، بستگی به همان نیتها، خصلتها و ملکات نفسانی او دارد و بر این اساس، انسانها از نظر صورت ظاهری یکسان‌اند؛ ولی از نظر صورت باطنی یعنی خصلتها و ملکات، انواع یا اصناف گوناگونی دارند.<sup>۱</sup>

حکیم سبزواری در این باره می‌گوید: «انسان به اعتبار اخلاق و ملکاتش، یا فرشته است یا حیوان، یا درنده و یا شیطان. بنابراین انسان از نظر صورت دنیوی یک نوع بیش نیست؛ ولی از نظر صورت اخروی، چند نوع خواهد بود؛ زیرا اگر شهوت و غضب بر او غلبه کند و کارهای او،

پیوسته از این دو غریزه صادر شود، صورت اخروی او حیوان و درنده خواهد بود، و اگر اخلاق پسندیده در نفس او رسوخ کرده باشد به صورتهای زیبای بهشتی مثل خواهد یافت.»<sup>۲</sup>

بنابراین می‌توان گفت درباره مکانیزم تبدیل عمل به جزا (یا تجسم اعمال) سه تفسیر عمده وجود دارد:

۱. «عذاب و نعمتها در آخرت، تجسم اعمال و ملکات است؛ یعنی برخی عذابها از لوازم لاینفک عمل و عقیده و انگیزه‌هایی است که آدمی را به ارتکاب گناه وادار می‌کند. طبق این نظریه، انسان در دنیا هر عملی را که انجام می‌دهد، بدون تردید، مولود انگیزه و نیاتی است که در جانش نقش بسته است. به فرموده قرآن: ﴿كُلُّ يَفْعَلُ عَلَى شَاكِرَةٍ﴾؛<sup>۳</sup> «هر انسانی

۱. کلام تطبیقی (نبوت، امامت، مهاد)، علی ربانی گلپایگانی، مرکز جهانی علوم اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۵ ش، ص ۳۶۱ و ۳۶۲.

۲. شرح منظومه، نسخه ناصریه، ملاحادی

سبزواری، ۱۳۶۷ ق، بحث مهاد.

۳. اسراء/۸۴.

طبق نیات و تفکرات شکل یافته خود عمل می‌کند.»

اساس کار، اندیشه و انگیزه است. عملی که با انگیزه‌های پست حیوانی و یا نیات و اهداف متعالی انجام می‌گیرد، تصویری در صفحه روان از خود باقی می‌گذارد. اگر این عمل تکرار نشود به تدریج، آن صورت نفسانی کمرنگ و محو می‌شود؛ ولی اگر تکرار شد به تدریج پرورش یافته، به شکل ملکه راسخه درمی‌آید و در صحیفه جان انسان ماندگار می‌شود و پس از مرگ، تجسم عینی پیدا می‌کند.

۲. نظر دوم آن است که هر عملی دو چهره دارد: یک چهره ظاهری که گاه در این دنیا آمیخته با لذت، رفاه و ثروت است؛ ولی چهره دیگری به عنوان صورت ملکوتی و باطنی است که در قیامت ظاهر می‌شود.

۳. نظر سوم، اعتقاد به تفصیل است. طبق این عقیده، بعضی از اعمال، عقاید و تفکرات انسان به عذاب تبدیل می‌شود (تجسم اعمال)؛

ولی برخی عذابها در حقیقت، جزای اعمال انسان است (نه تجسم) ... در نهایت بین گفتار و کردار و فکر و عقیده و پاداش آنها مناسبت‌هایی است که در قیامت با حفظ مناسبتها به صورت ثواب و عقاب جلوه‌گر می‌شوند.<sup>۱</sup>

گروهی دیگر از مفسران و متکلمان اسلامی، تجسم اعمال را غیرممکن می‌دانند و همه آیات و روایات دالّ بر آن را به گونه‌ای تأویل می‌کنند. عمده دلیل آنان بر این مدعا این است که اعمال انسان، از مقوله اعراض است و بر این اساس نظریه تجسم اعمال مواجهه با یک اشکال است و آن اینکه:

چون وجود عرض، قائم به خود نیست و اعمال انسان از سنخ اعراض‌اند، در نتیجه پس از تحقق یافتن از انسان ناپود می‌شوند و دیگر

۱. معاد در نگاه عقل و دین، محمد باقر شریعتی سبزواری، بوستان کتاب، ۱۳۸۵ ش، ص ۳۸۶ -

عدم است که محال بودن آن بدیهی است.<sup>۱</sup> علاوه بر این، قرآن می‌فرماید: «همه چیز در امام مبین، ثابت و باقی است و اعمال انسان هم از این حکم کلی مستثنی نخواهد بود»؛ چنان‌که می‌فرماید: «از علم پروردگار تو حتی هم‌وزن ذره‌ای از آنچه در زمین و آسمان است پنهان نیست و نه چیزی کوچک‌تر از آن و نه بزرگ‌تر از آن نیست؛ مگر آنکه در کتاب مبین ثبت و محفوظ است.<sup>۲</sup> از طرف دیگر هر چند ما به معاد جسمانی معتقدیم؛ ولی معنای این سخن، آن نیست که همه قوانین مربوط به نظام دنیوی در حیات اخروی نیز جریان خواهد داشت (کلام علامه مجلسی) و فرق تنها، فاصله مرگ میان این دوست؛ زیرا نظام این عالم نظام مادی و نظام عالم آخرت، نظام معنوی و روحانی تام است و بین این دو سختی نیست

چیزی نیست تا اعاده شود. از طرف دیگر، بنابر نظریه تجسم اعمال، خود اعمال بدون تکیه بر جوهر تحقق می‌یابند و این، امری غیر ممکن است. علامه مجلسی پس از نقل نظریه شیخ بهایی درباره تجسم اعمال می‌گوید: «محال دانستن انقلاب عرض به جوهر در این دنیا و ممکن دانستن آن در سرای دیگر، نوعی سفسطه است؛ زیرا دو نشئه دنیا و آخرت با هم تفاوتی ندارند؛ مگر اینکه مرگ و احیا دوباره میان آن دو فاصله ایجاد کرده است و این تفاوت نمی‌تواند وجه اختلاف احکام یاد شده باشد.

حق آن است که هیچ‌یک از این دو اشکال بر نظریه تجسم اعمال وارد نیست؛ زیرا به مقتضای براهین عقلی آنچه تحقق یافت و لباس هستی بر تن کرد، دیگر به هیچ وجه معدوم نمی‌شود و در آن مرحله و در ظرف خود که تحقق یافته است همیشه باقی خواهد ماند و طریبان عدم بر آن در آن مرحله، از قبیل اجتماع وجود و

۱. منشور جاوید، ج ۹، پیرامون معاد و روز بازبین، جعفر سبحانی، موسسه سید الشهداء، ۱۳۶۹ش، ص ۴۱۷.

۲. یونس/۶۱ و سبأ/۳.

و ستم اموال یتیمان را می‌خورند؛ در حقیقت، آتش می‌خورند و در آینده، وارد دوزخ خواهند شد.»

شکی نیست که صورت ظاهری و دنیوی اموال یباد شده آتش نیست؛ بلکه به صورت انواع لذت‌های دنیوی نمایان می‌شوند. بنابراین باید بگوییم این‌گونه اعمال، صورت دیگری دارند که اکنون از چشم ظاهرین پوشیده است؛ ولی در سرای دیگر که پرده‌ها بالا می‌رود، چهره واقعی این اعمال نمایان می‌شود و آن، چیزی جز آتش نیست.

۳. ﴿يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ﴾؛

«روزی که مردان و زنان با ایمان را می‌بینی که نور وجود آنان در پیشاپیش و جانب راست آنان در حرکت است.» آنچه از ظاهر این آیه استفاده می‌شود، این است که در قیامت وجود انسان‌های با ایمان به

تا بخواهیم بگوییم قوانین در هر دو عالم یکی است.<sup>۱</sup>

تجسیم اعمال در آیات قرآن

تجسیم اعمال، یک حقیقت قرآنی است که در آیات متعددی به آن اشاره شده است. نمونه‌هایی از این آیات را یادآور می‌شویم:

۱. ﴿يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُخَضَّراً وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيداً﴾؛<sup>۲</sup> «روزی که هر انسانی هر کار نیک و بدی را که انجام داده است نزد خود حاضر می‌یابد و آرزو می‌کند که میان او و عمل زشتش فاصله مکانی یا زمانی بسیاری وجود می‌داشت.»

۲. ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْماً إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَاراً وَ سَيَصْلُونَ سَعيراً﴾؛<sup>۳</sup> آنان که از روی ظلم

۱. رک: منشور جاوید، آیه الله سبحانی، ج ۹، ص ۴۱۹-۴۲۱.

۲. آل عمران/۳۰.

۳. نساء/۱۰.

۴. حدید/۱۳.



ما كُنتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup> «امروز به کسی ستم نمی‌شود و جزای شما چیزی جز اعمالی نیست که در دنیا انجام داده‌اید.»

۶. از جمله آیات بیانگر نظریه تجسّم اعمال، این آیه کریمه است: «لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ»<sup>۳</sup> «تو از این روز غافل بودی. پرده غفلت را از تو بر گرفتیم، پس دیدگانت تیز شده، [و حقیقتها را درک می‌کنی].»

کلمه غفلت و کشف غطا می‌رساند که چیزی در دنیا پیوسته با انسان همراه بوده و او از آن غفلت داشته است و همان چیز در روز رستاخیز که پرده‌های غرور کنار می‌رود به روشنی مشاهده می‌شود. بنابراین، ورای این صورت ظاهری و دنیوی اعمال، صورتی اخروی وجود

صورت منبع نوری در می‌آید و این نور، پیش رو و اطراف آنان را روشن می‌سازد.

۴. لقمان حکیم در نصایح خود به فرزندش فرمود: «يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ»<sup>۱</sup> «فرزندم هر کاری که انسان انجام دهد، هر چند به اندازه سنگینی خردلی در میان صخره‌ها و یا آسمانها و زمین باشد، خداوند آن را [در روز رستاخیز] می‌آورد.» از ظاهر این آیه شریفه نیز بر می‌آید که خداوند، خود عمل انسان را می‌آورد و آن را ملاک پاداش و یا کیفر قرار می‌دهد.

۵. آیات بسیاری درباره جزای اعمال وارد شده است. ظاهر آنها این است که خود کارهای انجام شده در دنیا جزای عاملانشان خواهد بود؛ از آن جمله این است که می‌فرماید: «قَالِيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا

۲. یس/۵۴.

۳. ق/۲۱.

۱. لقمان/۱۶.

دارد که انسان سرگرم به ظواهر زندگی مادی و بی خبر از حقیقت غیبی آفرینش به کلی از آن غافل است؛ ولی آنها را در جهان رستاخیز مشاهده خواهد کرد.<sup>۱</sup>

#### تجسیم اعمال در روایات

از تجسیم اعمال در روایات نیز یاد شده است؛ از آن جمله می‌توان به روایات ذیل اشاره کرد:

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا بَعَثَ اللَّهُ الْمُؤْمِنَ مِنْ قَبْرِهِ خَرَجَ مَعَهُ مِثَالُ يَوْمِ كَلَّمَا رَأَى الْمُؤْمِنُ هَوْنًا مِنْ أَهْوَالِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ لَهُ الْمِثَالُ: لَا تَفْرَحْ وَلَا تَحْزَنْ وَ أَبْشِرْ بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ حَتَّى يَقِفَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فَيَحَاسِبُهُ حِسَابًا يَسِيرًا وَ يَأْمُرُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ وَ الْمِثَالُ أَمَامَهُ فَيَقُولُ لَهُ الْمُؤْمِنُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ نِعْمَ الْخَارِجُ خَرَجْتَ مِنِّي مِنْ قَبْرِي وَ مَا زِلْتَ تُبَشِّرُنِي بِالسُّرُورِ وَ الْكِرَامَةِ مِنَ اللَّهِ حَتَّى رَأَيْتُ ذَلِكَ فَيَقُولُ: مَنْ أَنْتَ؟ فَيَقُولُ: أَنَا

السُّرُورِ الَّذِي كُنْتَ أَدْخَلْتَ عَلَيَّ أُخِيكَ الْمُؤْمِنَ فِي الدُّنْيَا خَلَقَنِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْهُ لِأَبْشُرُكَ؟<sup>۲</sup> وقتی خداوند، مؤمن را از قبرش [در روز قیامت] برمی‌انگیزاند، هم‌راه او [شخص] مثالی خارج می‌شود که پیشاپیش وی حرکت می‌کند و هرگاه مؤمن هولی از احوال قیامت را ببیند (و آن هول سبب هراس او شود)، آن مثال به وی می‌گوید: نگران و محزون مباش، تو را از جانب خداوند بشارت باد به کرامت و خوشحالی. تا اینکه در برابر خداوند جلیل ایستاده و حق تعالی از او حسابی آسان کشیده و او را به بهشت امر می‌کند؛ در حالی که [شخص] مثالی در جلو او [در حال حرکت] است. مؤمن به او می‌گوید: خداوند، تو را رحمت کند. چه خوب با من از قبرم خارج شدی و دائماً مرا به شادی و کرامت از ناحیه خداوند

۱. عقاید استدلالی، علی ربیانی گلپایگانی، انتشارات نصاب، ۱۳۸۰ ش، ج ۲، ص ۲۹۰-۲۹۶.

۲. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۱، ص ۲۹۰.

[روزی] خواهی مرد و هر چه را می خواهی دوست داشته باش، [ولی بدان روزی] همانا تو از آن جدا خواهی شد و هر کاری می خواهی انجام بده، همانا تو آن را ملاقات خواهی کرد.»

عبارت آخر از این فرمایش در حقیقت همان آیه ۷ و ۸ سوره زلزال است که اشاره می کند انسان در روز قیامت، خود عمل را مشاهده می کند. لازمه این دیدن عمل، در واقع، همان تجسم یافتن اعمال و عینیت آنهاست. صراحت در آیات و روایات، ما را به این مطلب بیش تر رهنمون می کند که اگر خداوند در قرآن و یا معصومان علیهم السلام در روایات درباره عذابهای دوزخ به ما هشدار داده اند، در حقیقت خواسته اند ما را از انجام اعمال زشتی بترسانند که روزی گریبان خودمان را خواهد گرفت؛ نه اینکه بنخواهند ما را از آتش و حمیم به هول و هراس بیندازند.

بشارت دادی تا اینکه آن را دیدم. پس مؤمن می گوید: تو کیستی؟ آن مثال می گوید: من همان شادی و سروری هستم که تو آن را بر قلب برادر مؤمنت در دنیا داخل کردی. خداوند جلیل مرا از آن سرور خلق کرده است تا تو را خوشحال کنم.»

همچنین در حدیث دیگری است که امام باقر علیه السلام فرمود: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّ الْقُرْآنَ يَأْتِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَحْسَنِ صُورَةٍ؛ قرآن را بیاموزید. پس همانا قرآن روز قیامت در بهترین صورت حاضر می شود.»

همچنین منقول است جبرئیل بر پیامبر نازل شد، او را چنین موعظه فرمود: «يَا مُحَمَّدُ عَيْشُ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ وَأَحْبَبُ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ وَاعْتَمِلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ؛<sup>۲</sup> ای محمد هر چه می خواهی زندگی کن، همانا

۱. مستدرک سفینه البحار، علی نمازی، دفتر

انتشارات اسلامی، ج ۶، ص ۳۹۵.

۲. میزان الحکمه، محمدی ری شهری، دار

الحدیث، ۱۴۱۶ ق، ج ۳، ص ۲۱۳۹.

از این روایات و آیات مذکور معلوم می‌شود که عمل در قیامت حاضر می‌شود و انسان از آن آگاهی می‌یابد و در واقع، همان عمل را می‌بیند، نه پاداش و کیفر آن را.

#### تجسیم اعمال از منظر عقل

صدر المتألهین در توضیح و تقریب این مطلب که چگونه اعمال و صفات نفسانی، بسان دیگر حقایق عالم وجود در موطن گوناگون دارای ظهورها و آثار گوناگون هستند، به ظهور آب یا جسم مرطوب در سه موطن خارج، خیال و عقل به سه صورت متفاوت مثال زده، می‌نویسد: «چنان‌که اگر جسم نمناکی را روی ماده خشک نم‌پذیر نهند، آن ماده، رطوبت می‌پذیرد و به شکلهای گوناگون درمی‌آید. اگر همین جسم نمناک را روی ماده حس یا خیال، مانند چشم و مغز گذارند، بر فرض پذیرفتن صورت، دیگر شکل نمی‌پذیرد، با اینکه رطوبت بر آن اثر گذاشته و او هم این اثر را پذیرفته

همچنین از امام علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: «در آخرین لحظه حیات انسان در دنیا، فرزند و مال و عمل در مقابل دیدگان انسان مجسم می‌شود. او از هر یک می‌پرسد که برایش چه خواهند کرد؟ مال جواب می‌دهد: کفنت از من، فرزند اظهار می‌دارد: تو را به قبر می‌رسانم، عمل می‌گوید: من با تو در قبر و رستاخیز همدم خواهم بود.» آن‌گاه آن حضرت می‌فرماید: «اگر از اولیای خدا باشد، عملش در خوش‌چهره‌ترین و خوش‌بوترین و خوش‌جامه‌ترین افراد نزدش حاضر می‌شود و می‌گوید: بشارت باد بر تو، آسودگی از هر هم‌غمی. آن ولی خدا می‌پرسد: تو کیستی؟ پاسخ می‌دهد: من عمل صالح تو هستم و اگر از دشمنان خدا باشد، کسی نزد او می‌آید که از بد لباس‌ترین و بدقیافه‌ترین و بدبوترین خلق خداست و به او وعده دوزخ می‌دهد.»<sup>۱</sup>

۱. کاشی، کلینی، بیروت، دارالاصب، ۱۴۰۱ق.

جهان به صور معهود بروز می‌کند و آثار خاصی از خود به جای می‌گذارند، در عالم برزخ و قیامت به صورت روح و ریحان یا به صورت مار و کژدم و ... ظاهر شوند.<sup>۲</sup>

ملاصدرا علیه السلام این مسئله را به نحوی دیگر بررسی کرده است. او می‌گوید: «شکی نیست که هر عملی را اثری است در نفس، و اثری است در خارج، و نفس انسان در مقابل اعمال و رفتار خود متأثر می‌شود و همان‌طور که اعمال و رفتار هر کس در خارج، دارای آثار وجودی خاص است، در نفس نیز اثری می‌گذارد که مجموعه ملکات و فضایل و رذایل نفسانی، محصول اعمال و رفتار و بالجمله اکتسابات انسان است و هر یک از ملکات نفسانی را ظهوری است در هر یک از مواطن و قوابل و

است. قوه عاقله هم از رطوبت اثر می‌پذیرد؛ ولی این اثر، غیر از اثر سابق، یعنی به صورت کلی خواهد بود. بنابراین ماهیت مرطوب با وصف اینکه یک ماهیت بیش نیست، هر سه جا، سه‌گونه اثر می‌گذارد: نخستین بار تأثیر جسمانی، دوم بار در نیروی حس و خیال، صورت محسوس و متخیل، و سوم بار در نیروی عقل، صورت کلی عقلی پدید می‌آورد.»<sup>۱</sup>

ملاصدرا با تشبیه مذکور خواسته است اختلاف ظهور و تفاوت بروز یک ماهیت را در عوالم مختلف به ذهن نزدیک سازد. طبق بیان وی، همان‌گونه که یک ماهیت مادی در مواطن گوناگون دارای آثار و جلوه‌های گوناگونی است، صفات، نیات و ملکات انسان نیز در جاهای مختلف، دارای آثار و لوازم مختلف هستند؛ از اینرو، بعدی ندارد که صفات و ملکات انسان که در این

۲. الشواهد الربوبیه، صدر المتألهین، مشهد، مرکز الجامعی للنشر، ۱۳۶۰ش، ص ۳۲۹.

۱. الرشیه، صدر المتألهین، ص ۲۸۲.

آنها را بسوزاند و بالاخره ملکات فاضله و رذایل که از مکتسبات نفسانی است و از آثار و اعمال انسان است در نشئه دنیوی، بعینه در نشئات دیگر مجسم شوند و نتیجه عمل هر کس بمدین طریق برای او نمودار شود.<sup>۱</sup>

با توجه به آنچه گفته شد می‌فهمیم مهم‌ترین عامل عذاب، اعمال انسان است؛ زیرا با تعبیرهای یاد شده، جایی برای این معنا باقی نمی‌ماند که عذابهای مختلف، نتیجه جلدانشدنی اعمال زشت خود انسانهاست، نه شکنجه‌های خداوند.

هر صفت جسمانی و یا روحانی در مقام مقارنت و مجاورت با قابلی، اثری در آن قابل می‌گذارد و نحوه اثر آن در هر یک از مواطن و قوایل متفاوت است و همان‌طوری که اعمال خارجی در نفس اثر می‌گذارد، ملکات نفسانی نیز در خارج اثر می‌کنند و آثاری از فضایل و رذایل نفسانی در خارج حاصل می‌شود؛ مثلاً غضب، کبر، عجب، حقد و غیره که از کیفیات و امور نفسانی هستند آثاری از آنها در خارج ظاهر می‌شود. یکی از مواطن، موطن آخرت است و بعید نیست که مثلاً غضب که یکی از ملکات و صفات نفسانی است در

نشئه آخرت به صورت نار محرقه مجسم شود و صاحب آن را بسوزاند و همین‌طور جود و علم و سایر صفات که از کیفیات نفسانی‌اند به صورت سلسبیل درآیند و آکل مال یتیم ظلاماً در نشئه آخرت به صورت آتش در بطون خورندگان آن درآید و

۱. رک: المبدأ و المعاد، صدر المتألهین، تصحیح استاد آشتیانی، انتشارات انجمن حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۵۴ش، ص ۴۱۲.